



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 4, Issue 3, 2024

Providing Services and Compensation to Victims by Government and Special Institutions

Maral Abbasi¹, Atefeh Lorkojuri*², Tayebeh Ghodrati Siahmazegi³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 109-120

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-7685-0998

TELL: +981342247001

Email: A.lorkojuri110@yahoo.com

Article history:

Received: 02 Mar 2024

Revised: 23 Apr 2024

Accepted: 10 Jun 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Victim, Compensation, Special Institutions, Government, Service, Support.

ABSTRACT

Supporting the victim and compensating for the damages caused to him is one of the important issues of criminal law, which has become increasingly important and has an impact on the realization of criminal justice. Based on this, the purpose of this article is to examine the question of what is the service delivery and compensation of victims from government channels and special institutions? This article is descriptive and analytical and the mentioned question has been investigated using the library method. The findings indicate that providing services and compensating for the victim's losses, at first glance, only appears in the concept of financial payments, while the dimensions of compensation go beyond mere financial payments. In Iranian law, there is no clear legal rule regarding compensation from the government or other institutions. On the other hand, after the crime, the victim should not be left alone because it will cause many harms to him and the society. In Iran, the cases of compensation for damages and providing services to the victim are limited to unknown conditions, such as the victim's innocence or non-injury, or the compensation of damages by the sane or only in the case of murder and there is a vague mechanism regarding these conditions that the legal form it is not specific. The brief provisions in Iran's laws are mostly supportive and rarely have the color of compensation and providing services in a way that reduces the suffering of the victims.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Abbasi, M; Lorkojuri, A & Ghodrati Siahmazegi, T (2024). "Providing Services and Compensation to Victims by Government and Special Institutions". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(3): 109-120.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

خدمات‌رسانی و جبران خسارت بزه‌دیده از مجاری دولتی و نهادهای خاص

مارال عباسی^۱، عاطفه لركجوری^{۲*}، طیبه قدرتی سیاهمزیگی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

چکیده

حمایت از بزه‌دیده و جبران خسارت‌های وارده بر وی از موضوعات مهم حقوق کیفری است که اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده و در تحقق عدالت کیفری تأثیرگذار است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که خدمات‌رسانی و جبران خسارت بزه‌دیده از مجاری دولتی و نهادهای خاص چگونه است؟ این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که خدمات‌رسانی و جبران ضرر و زیان بزه‌دیده، در نظر اول تنها به مفهوم پرداخت‌های مالی جلوه می‌کند، درحالی‌که ابعاد جبران خسارت فراتر از صرف پرداخت مالی است. در حقوق ایران، صراحتاً درخصوص جبران خسارت از سوی دولت یا نهادهای دیگر، قاعده قانونی مشخصی ندارد. از طرفی بعد از وقوع بزه نباید بزه‌دیده به حال خود رها شود، چراکه برای وی و جامعه صدمات متعددی خواهد داشت. موارد جبران خسارت و خدمت‌رسانی به بزه‌دیده در ایران، به شرایط نامعلوم، مانند بی‌گناه‌بودن یا مهدورالدم‌نبودن بزه‌دیده و یا جبران خسارت از سوی عاقله یا صرفاً در بزه قتل محدود شده و سازوکار مبهمی راجع به این شرایط وجود دارد که شاکله قانونی مشخصی ندارد. تمهیدات مختصر موجود در قوانین ایران، بیشتر جنبه حمایتی داشته و کمتر دیده شده که رنگ و بوی جبران خسارت و ارائه خدمات به خود گیرد، به‌نحوی که از بار آلام بزه‌دیده کم کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۹-۱۲۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۷۶۸۵-۰۹۹۸

تلفن: +۹۸۱۳۴۲۲۴۷۰۰۱

ایمیل: A.lorkojuri110@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

بزه‌دیده، جبران خسارت، نهادهای خاص، دولت، خدمات‌رسانی، حمایت.



مقدمه

بزه، رفتاری ضداجتماعی است که به جهت بروز آن هرج و مرج و ناامنی ایجاد شده و نظم عمومی مختل می‌گردد. با ارتقای زندگی بشر و تشکیل دولت‌ها و اهمیت‌پیدا کردن منافع عمومی و شهروندان، حمایت از بزه‌دیده از سوی دولت‌ها مورد توجه ویژه قرار گرفت. بزه‌دیده که وقوع جرم، آسیب بر تمامیت جسمانی، اموال، آسایش یا شخصیت معنوی وی، وارد آمده، متضرر، مجروح، مضروب و یا مقتول، خوانده می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۷۷: ۳۳-۵). با ظهور تفکر جبران زیان بزه‌دیده، بزه دو نوع موجودیت پیدا نمود: نخست از منظر خساراتی که بر بدنه جامعه و عموم مردم وارد کرده؛ دوم زبانی که شخص بزه‌دیده را تحت شعاع قرار داده است، ولیکن همواره این دیدگاه وجود دارد که جرم بیش از این که شخص بزه‌دیده را متضرر کند، دولت و قدرت حاکمیت موجود را زیر سؤال می‌برد. بعد از گذشت زمانی از بروز انتقادات راجع به روند کار دولت‌ها و ضرر جمعی و رهاشدن بزه‌دیده به حال خود، شرایطی فراهم شد تا دیدگاه و رویکرد جامعه نسبت به منافع بزه‌دیده و بزهکار و ضرورت جبران خسارت بیش از پیش ظهور نماید. عدالت ترمیمی درصدد ایجاد توازن بین نگرانی‌های بزه‌دیده و جامعه محلی برای این به‌وجود آمد که موجب سازگاری بزهکار با جامعه و بزه‌دیده شود و کمک نماید خسارت وی به هر طریق میسر، جبران گردد. مطالعات حوزه بزه‌دیده‌شناسی، سه مرحله را پشت سر نهاده است: مرحله اول، دوره دیدگاه‌های کلاسیک است. در این مقطع، توجه مختصری به بزه‌دیده می‌شود و بیشترین توجه، بر روی میزان شدت جرم قرار دارد؛ دوره دوم، به مکتب اثباتی مربوط است، هرچند که این مکتب، تحولات زیادی در تحلیل مفهوم بزهکار ایجاد کرد، اما همواره بررسی ابعاد پیدا و پنهان بزه‌دیدگی و چالش‌های آن را نادیده گرفت؛ مرحله سوم که دوره تازه‌ای از مطالعات بزه‌دیده‌شناسی است، هم‌زمان با ظهور مکاتبی، مانند مکتب دفاع اجتماعی نوین و رواج اندیشه عدالت ترمیمی است. در این دوره، بررسی شخصیت بزه‌دیده و الزام بر جبران خسارت وی، موضوع بحث محافل حقوقی قرار می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۲: ۵۷۶-۵۵۳). فرگشت عدالت ترمیمی، حمایت از بزه‌دیده را مرکز توجه خود قرار

داده است و از تقدم و ترجیح جبران خسارت، بر اعمال مجازات و نیز تکلیف قضات، به جایگزینی جبران خسارت با مجازات، سخن می‌راند و دامنه جبران خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده را به سمت جبران دولتی، سوق می‌دهد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۴-۸۱). در بحث جبران خسارت بزه‌دیده، مقوله مهم، بهبود وضعیت بزه‌دیده و بازگرداندن وی، به شرایط پیش از وقوع جرم است. امور متعددی، مثل ناشناخته ماندن بزهکار، عدم دسترسی به وی، عدم کفایت ادله اثبات جرم، فرار، خودکشی، مرگ، فقر و تنگدستی بزهکار و یا حتی مصونیت وی، موانع و چالش‌های پیش روی جبران خسارت بزه‌دیده هستند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۶۵). بررسی‌های علم جزا، در پی وقوف بر این موانع و چالش‌ها، نه‌تنها، ضرورت دخالت دولت در جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده، بلکه ضرورت عهده‌دارشدن دولت را برای جبران خسارت بزه‌دیده، به‌جای شخص بزهکار دریافته است، چه این که گاه، اگر دولت، برای جبران خسارت بزه‌دیده، مداخله نکند و به جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده مبادرت نوزد، بزه‌دیدگان، در شرایط سخت، به حال خود، رها می‌شوند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۱: ۲۵). بی‌شک، سخن و بحث از دخالت سازمان‌های مختلف و خدمت‌رسان و البته دولت، برای جبران زیان وارده بر بزه‌دیده، به این جهت دارای اهمیت است که دخالت سازمان‌ها و نهادهای مختلف و همچنین دولت در جبران خسارت بزه‌دیده، عامل بسیار تأثیرگذار در بهبود وضعیت بزه‌دیدگان، خصوصاً بزه‌دیدگان خاص است. مقاله حاضر به بررسی چگونگی خدمات‌رسانی و جبران خسارت بزه‌دیده در نبود بزهکار، توسط دولت و نهادهای مختلف اهتمام دارد.

۱- شیوه‌های جبران ضرر و زیان وارده به بزه‌دیده

به فراخور نوع، کیفیت، چگونگی و شرایط بروز هر جرم، باید جبران خسارات آن، طبق اصول مشخص‌شده در قوانین انجام گیرد. راهکارهای تأمین زیان ناشی از جرم به تنوع و تعدد خسارات و لطامات ناشی از آن، بستگی دارد؛ برخی روش‌های جبران خسارت به شرح زیر است:

بزه‌دیدگی برای او قابل تحمل شود و بتواند به زندگی خویش ادامه دهد (اسبانلو و کلاتری، ۱۳۹۲: ۲۱۲-۱۸۵).

۲- جبران دولتی خسارت بزه‌دیده

جبران دولتی خسارت حاصل از وقوع جرم بر بزه‌دیده، به معنای پرداخت پول از طرف دولت به بزه‌دیده یا خانواده او برابر زیان‌ها یا آسیب‌های ناشی از بزه است، البته در مواردی که بزه‌کار، از جبران خسارت، ناتوان است و منبع مالی دیگری نیز برای جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده، وجود ندارد.

امروزه، نظام‌های حقوق کیفری بسیاری از کشورهای دنیا با وضع قانون درباره جبران صدمه‌های ناشی از بزه‌دیدگی، ابعاد مختلف جبران خسارت را مانند شرایط و اوضاع و احوال مربوط به بزه‌دیده، جرایم و خسارت‌های جبران‌پذیر و شیوه پرداخت خسارت، پیش‌بینی کرده‌اند (رحمدل، ۱۳۹۷: ۱۳۳-۱۱۳).

۲-۱- الزامات جبران خسارت توسط نهاد دولت، نهادهای غیردولتی و مدنی

علی‌الاصول بزه‌کار مسؤوّل جبران زیان وارده است. شناخته‌نشدن بزه‌کار در جریان کشف و رسیدگی، نبود ادله مناسب و کافی برای اثبات دعوا، فرار بزه‌کار، فوت و یا خودکشی وی، عدم ملائمت بزه‌کار، اطاله دادرسی سبب شود بزه‌کار، نتواند خسارت بزه‌دیده را جبران کند و خسارت بزه‌دیده، جبران‌نشده باقی بماند. در اینجا لزوم دخالت و حمایت دولت، نهادهای دولتی و غیردولتی یا نهادهای خاص دارای اهمیت ویژه است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۱: ۳۲).

۲-۱-۱- نظریات

اگر بزه‌کار به دلیل موانعی که گفته شد، نتواند از عهده خسارت وارده برآید، دو نظریه راجع به مداخله دولت، نهادهای وابسته به دولت، نهادهای غیردولتی و مدنی وجود دارد:

۲-۱-۲- نظریه موافق

پشتیبانی از شهروندان در شرایط دشوار، جلوگیری از دشمنی و بروز خشم و به تبع آن جرایم جدید توسط بزه‌دیده، ایجاد و برقراری آرامش و آسایش برای بزه‌دیده و سایر شهروندان،

۱-۱- جبران مادی و هزینه‌ای

از راهکارهای جبران خسارت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱-۱- پرداخت ارش و دیه مقرر در قانون

دیه، به دو شکل مقدر و غیرمقدر یا ارش، از راه‌های جبران زیان وارده بر بزه‌دیده است که قانون مجازات اسلامی راجع به آن اشاره نموده است. «موارد پرداخت دیه از بیت‌المال در قوانین ایران، استثناً بر اصل است و قانون‌گذار درخصوص جنایت عمدی دون قتل منتهی به عدم شناسایی ضارب، تکلیفی بر بیت‌المال قرار نداده است. مضاف بر این پرداخت دیه از بیت‌المال موضوع ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی صرفاً درخصوص صدمات منتهی به فوت می‌باشد، لذا باتوجه به استثنایی بودن پرداخت دیه از بیت‌المال در مقام بیان، صرفاً دیه قتل نفس را پذیرفته و سکوت آن در مورد صدمات مادون قتل عالمّاً بوده، چه این‌که اگر غیر از این بود، در قانون تصریح می‌نمود» (حاتمی و اسدی، ۱۳۹۸: ۱۴۶-۱۲۳). پرداخت ارش نیز، مصداق بارز جبران خسارت ناشی از بزه است که همواره روشی مادی محسوب می‌شود و در مواردی که میزان زیان وارده به‌طور دقیق در قانون مشخص نشده باشد با جلب نظر کارشناس تعیین می‌گردد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۶۵).

۱-۱-۲- جبران سایر هزینه‌ها

وقوع جرم هزینه‌های مختلفی را بر بزه‌دیده تحمیل می‌کند که حتی شاید برخی از آن‌ها مانع دسترسی وی به عدالت کیفری شود، جبران تمام و کمال هزینه‌های بزه‌دیده در نگاه پژوهشگران محل اختلاف است؛ برخی، آن را صرفاً یک شیوه حمایتی می‌دانند و بعضی دیگر، آن را جبران صددرصد خسارت قلمداد می‌کنند (عظیم‌زاده اردبیلی و اسلامی، ۱۴۰۰: ۷۴-۵۹). احتمال دارد قربانی، بعد از بزه‌دیدگی، شرایط امرار معاش خویش را از دست دهد و دیگر نتواند همانند گذشته کار کند؛ در چنین وضعیتی، پرداخت مبلغی، با عناوینی مانند ازکارافتادگی و اعطای مستمری، شرایطی برای بزه‌دیده فراهم می‌آورد که در کنار احساس همراهی برای تأمین مالی بخشی از هزینه‌های ناشی از بزه‌دیدگی، رنج نقص ناشی از

نموده، آمار بزهکاری بالاتر رفته یا بزهکار از زیر بار جبران خسارت به انحای مختلف شانه خالی کند (میرکمالی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۱۰-۱۸۹).

این‌که دولت را بدهکار بدانیم در ورطه عمل نیز با چالش روبه‌رو است، این شرایط ممکن است سبب فقدان جدیت بزه‌دیده برای اقامه دعوی علیه بزهکار و تعقیب وی شود، انگیزه‌های مالی افراد در شرایط سخت اقتصادی و حرص و طمع آنان را تحریک کند و باعث رواج خودزنی و خود بزه‌دیده انگاری و عدم دفاع از خود برابر جرم و حمله گردد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۶۱).

حال در جهت رفع ایرادات باید بیان داشت که در حقوق، دو نوع شخص وجود دارد: شخص حقیقی و شخص حقوقی. اشخاص حقوقی به دو دسته شخص حقوقی عمومی و شخص حقوقی خصوصی تقسیم می‌شوند. به موجب تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات موضوع ماده ۲۰، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود. دولت و نهادهای وابسته به آن، شخص حقوقی حقوقی عمومی هستند و در که کاملاً از بحث حاضر خروج موضوعی دارد، چون وقتی دولت مسؤولیت کیفری نداشته باشد، به تبع آن، اصل شخصی بودن مجازات بر وی حاکم نیست، ضمناً اصل شخصی بودن ناظر بر کیفر است، درحالی‌که موضوع ما جبران خسارت بوده و ارتباطی به کیفر ندارد. در مقوله مسؤولیت کیفری ناشی از عمل دیگری که در ماده ۱۴۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده، بر طبق نظریه خطر، دولت به دلیل داشتن قدرت عمده و ناکارآمدی و عدم موفقیت در انجام نظارت و وظایف خود مثل عدم وجود رفتار عادلانه با شهروندان، توزیع نابرابر ثروت و قدرت، عدم مدیریت شرایط اقتصادی، عدم وجود سرمایه‌گذاری درست در حوزه آموزش و پرورش و ... به‌طور قانونی مسؤول اعمال مجرمانه شهروندان است و درنهایت باید پاسخگو باشد.

در این شرایط اگر شهروندان به‌واسطه این‌که اهداف بلند بالایی در جامعه و فرهنگ غالب برای آن‌ها تعریف شده، اما وسیله دستیابی قانونی و شرعی به آن‌ها وجود ندارد، احتمال

انجام وظایف تعریف‌شده برای حاکمیت قبال مردم در شرایط ویژه، مانند زمانی که بزهکاری، نظم عمومی را به چالش می‌کشد؛ همگی این مباحث، سخن از ضرورت مداخله دولت و نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی و خاص درجهت جبران خسارت بزه‌دیده دارد (اسکندری، ۱۳۸۷: ۶۴-۴۳).

یقیناً جلوه واقعی خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان، یک ضرورت مربوط به نظم عمومی است، چون دولت و مردم، برابر یکدیگر، دارای حقوق و تکالیف متقابل هستند و یکی از تکالیف مهم برای دولت‌ها، برقراری نظم عمومی و ایجاد امنیت و آسایش در جامعه است. بروز جرم و عدم جبران خسارت بزه‌دیده، نشانه این است که دولت، وظایف خویش را در راستای عمل به اصول قانون اساسی و گسترش نظم و امنیت عمومی، به‌طور دقیق، انجام نداده است؛ ازاین‌رو، در چنین شرایطی، دولت، خود، موظف به جبران خسارت ناشی از جرم است.

دولت، از شهروندان مالیات دریافت می‌کند، لذا طبیعتاً وظیفه جلوگیری از بروز جرم و تأمین و برقراری امنیت و آرامش مردم بعد از بروز بزه را دارد. اگر قدرت عمومی، به این وظیفه خود عمل نکند و یا به‌جهت وجود شرایطی خاص، نسبت به پیشگیری از وقوع بزه، متعذر باشد، با خسارت وارده بر بزه‌دیده را جبران کند. عدم جبران خسارت ناشی از وقوع جرم در شرایط سهل‌انگاری حاکمیت در جهت انجام وظایفش، خلاف مبنای اصول حقوق عمومی و رعایت تعالیم حقوق کیفری و عدالت ترمیمی است؛ از این جهت، جبران خسارت ناشی از وقوع بزه، یک الزام مهم اجتماعی و حقوقی برای دولت و نهادهای وابسته به آن است.

۲-۱-۳- نظریات مخالف

مخالفین قائل بر اصل شخصی بودن مجازات در حقوق جزا هستند و اعتقاد دارند هر شخصی که مرتکب جرم می‌گردد، به‌طور خاص الزاماً خود وی وظیفه جبران خسارت وارده را دارد، نه دولت یا سازمان‌ها و نهادهای دیگر، چراکه اگر این مهم را بر شانه هر شخصی غیر از خود بزهکار بگذاریم، یکی از اصول مهم حقوق جزا را نادیده گرفته‌ایم. از طرفی ممکن است اگر این جریان حاکم گردد، شهروندان از آن سوءاستفاده

مسئولیت مدنی نهادهای دولتی و غیردولتی و حتی خاص و البته در راس خود دولت، تعهد و الزام برابر خسارتی است که شهروندان نسبت به هم، ایجاد می‌کنند، بدین‌گونه که هرگاه، شخصی، برابر دیگری، مسؤول جبران خسارتی است و به هر دلیل، نتواند آن را بپردازد، دولت یا نهادهای خدمت‌رسان، باید از عهده جبران ضرر وارده برآیند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۶۳).

خواسته اصلی بزه‌دیدگان جرایم، در وهله اول بیش از آنکه اجرای مجازات بزهکار و برخورد قاطع با او باشد، جبران ضرری است که به‌دلیل وقوع جرم بر آنان بار شده است. رفتار حاکمان سبب شده که رویه‌ای مرسوم به‌نحوی باشد که براساس آن حکومت‌ها غیرقابل مواخذه گردند، اما «مطالعه کامل قوانین ایران و همین‌طور سیر تحولات حقوقی نشان می‌دهد که این نظریه به مرور رو به انحطاط بوده و دولت در قوانین مصوب و رویه قضایی، در شرایطی که امکان جبران از سوی بزهکار نیست، مسؤول جبران ضررهای ناشی از جرم است. دولت از بودجه‌ای که سهمی از آن همواره متعلق به تبعه مجرم تلقی می‌شود، جبران ضرر می‌نماید» (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۲۳). ضابطه درخصوص نقض قوانین و اهمیت جبران زیان وارده به این معنا که اگر دولت و نهادهای مختلف در تدوین قوانین و آیین‌نامه‌ها و نحوه انتشار آن، عدم اطلاع‌رسانی صحیح از قوانین یا ناسازمندی در تدوین قانون با مقتضیات جامعه، کم‌کاری کرده باشد، به‌نحوی که قوانین و مقررات به‌راحتی در جامعه نقض گردد، در این شرایط به‌جهت ناکارآمدی قوانین تصویب شده و عدم کارایی مطلوب آن‌ها، دولت باید پاسخگوی تضرر بزه‌دیدگان باشد و درصدد جبران برآید. همین‌طور بر مبنای نظریه منافع، به این معنا که بزهکار با انجام بزه، نفع و فایده و لذتی از جرم برده است و به‌دلیل این تولید زیان به بزه‌دیده و جامعه باید هزینه عملکرد ناکافی و مخالف با قوانین خود را بدهد.

۲-۲-۲- ضابطه لزوم داشتن مسؤولیت اجتماعی

انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و آزاد زندگی می‌کنند، چون هیچ‌کس نمی‌تواند به تنهایی حوائج خویش را برآورده کند، در نتیجه از باب ضرورت به تشکیل جامعه دست یازیدند، مقوله مسؤولیت اجتماعی برای همه افراد جامعه مطرح است،

دارد برای رهاشدن از فشار مضاعف شرایط، دست به ارتکاب جرم بزنند.

در شرایطی که دولت خسارت بزه‌دیده را جبران نکند، ممکن است خون مسلمان هدر شده و این مسأله در دین شریف اسلام بسیار مورد انتقاد است. بی‌توجهی به احوالات بزه‌دیده، عدم جبران ضرر وارده بر وی ممکن است سبب شود، خود بزه‌دیده، خانواده وی و جامعه را دچار مشکل شده و حتی سبب متلاشی‌شدن زندگی آن‌ها گردد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۴۵).

۲-۲-۲- اساس نظریات غالب درخصوص خدمات‌رسانی و جبران خسارت توسط دولت، نهادهای دولتی، غیردولتی و خاص

ترویج شناسایی و آگاهی قضایی از این مهم که قطعاً بزه‌دیدگان دارای منافع مشروع و قانونی هستند، باید در همه مراحل رسیدگی‌های کیفری و صدور حکم و بعد از آن مورد توجه قرار گیرد، نگرانی، بیم، اظهارنظر بزه‌دیدگان باید در نظام قضایی به رسمیت شناخته شود، همچنین قضات همان‌طور که به‌صورت قانونی در مورد حقوق متهمان به آن‌ها آگاهی می‌دهند باید درخصوص حقوق بزه‌دیدگان نیز مشاوره لازم را ارائه کنند. راجع به جبران خسارت بزه‌دیدگان در حالت کلی دو ضابطه حاکم است:

۲-۲-۱- ضابطه لزوم داشتن مسؤولیت مدنی

کلمه مسؤولیت، به‌معنای ضمانت، برعهده‌گرفتن و تعهد و یا از عهده برآمدن کاری است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۷) و در ترمینولوژی حقوق، تعهد و التزام به جبران است قبال شخصی که به آن ضرری وارد کرده است. فردی که ناگزیر به جبران خسارت است، برابر کسی که ضرر دیده، دارای مسؤولیت مدنی می‌باشد، چراکه طرح مباحث مسؤولیت مدنی در فضای حقوقی ایران، ریشه در فقه اسلامی دارد و به تصریح قانون اساسی باید منطبق با اصول مشروع فقهی تحقق یابد، چنان که رابطه دینی ویژه‌ای بین زیان‌دیده و مسؤول دیده شود (لعل‌علیزاده و سهرابی، ۱۳۹۷: ۱۷۶-۱۶۱).

قابل طرح در این باره را ندارد (اسکندری، ۱۳۸۷: ۶۴-۴۳). گاه، حاکمیت به عنوان قدرت مطلق، طی عدم موفقیت خود در انجام تکالیف، برای رسیدگی به جبران خسارت بزه دیده، به جهت ناکارآمدی مبانی مسؤولیت مدنی و چالش های پیش روی آن، بر پایه دیدگاه مسؤولیت اجتماعی، از سازوکارهای غیرقضایی استفاده می کند، در نتیجه، مسیر رسیدگی، نحوه اثبات بزه دیدگی و یا تشریفات رسیدگی به خسارت، تابع موازین قضایی نیست و چون دولت خود را بدهکار کسی نمی داند و وظیفه دولت قبال خسارت وارد شده، ماهیتی شبیه به اعانه پیدا می کند، بدیهی است که چنین امری، نه تنها، به تشریفات خاصی نیاز ندارد، بلکه همانند سایر اعمال حاکمیت است که به طور روزمره، به آن ها رسیدگی می کند (سماواتی پیروز، ۱۳۸۴: ۱۶۸-۱۱۹).

بنابراین وفق مسؤولیت اجتماعی دولت، به دلیل حس هم دردی اجتماع، به درخواست بزه دیده و انجام تشریفات و مراحل مختلف از سوی وی، نیازی نیست و خود دولت، رأساً می تواند به بزه دیده کمک و مساعدت دهد؛ چنانکه برای کمک و اعانه دولت به شخص بزه دیده، نیازی نیست که جرم با انجام تشریفات و مراحل زمان بر در قوانین کیفری، اثبات شود، بلکه برای ایفای وظیفه دولت، همین مقدار کافی است که بزه دیدگی واقع شود و ظواهر امر نشان دهنده وضعیت بزه دیدگی کسی باشد (خدادی و افتخار، ۱۳۹۵: ۱۵۴-۱۲۷).

۳- جانشینی دولت، نهادهای وابسته به آن، سازمان های غیردولتی و نهادهای خاص جهت جبران خسارت بزه دیده در حقوق کیفری

جبران خسارت به معنای پرداخت پول و ارائه خدمات مختلف از طرف دولت یا نهادهای متولی طبق قانون یا آیین نامه، به نحوی است که عهده دار پشتیبانی از بزه دیده در شرایطی است که به هر دلیلی بزه کار قادر به جبران خسارت نیست. جبران دولتی خسارت بزه دیده، به شکل پرداخت از بیت المال، تأسیسی قدمت دار است که در کتب فقه جزایی، فراوان از آن سخن گفته شده است و قانون مجازات اسلامی نیز به تأسی از فقه جزای امامیه، در شماری از مواد کتاب دیات، آن را مورد توجه و پذیرش قرار داده است.

چراکه نفع اجتماعی و نفع عمومی بر نفع شخصی شهروندان به صورت فردی، ارجح است، یعنی افراد در جامعه، به جای تلاش برای منتفع شدن خود، برای انتفاع جامعه ای که در آن در حال زیست هستند، تلاش جمعی می کنند. به طور کلی مسؤولیت اجتماعی، یک مقوله اخلاقی است که در آن، وظایف مختلفی که تمامی آن ها دارای منافع برای جامعه هستند، برعهده نهادهای دولتی، غیردولتی یا نهادی خاص قرار داده می شود (خدادی و افتخار، ۱۳۹۵: ۱۵۴-۱۲۷). مسؤولیت اجتماعی دولت یا نهادهای مختلف و خدمات رسانی توسط آن ها به بزه دیده به این معنا است که دولت در کنار جامعه، مشارکت جامعه ای فعال دارد و نسبت به بزه کاری و یا مشکلات و معضلات اجتماعی بی تفاوت نبوده و در تغییرات و بهبود شرایط می تواند سهمیم و حتی جبران گر باشد. در این رویکرد، تعهد افراد یا دولت، قبال تکالیف و وظایفی که برعهده دارند، مورد توجه بوده، بدون این که ماهیت این مسؤولیت ها، بدهکاری دولت به افراد جامعه باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۱: ۶۸). اساس زیربنای فکری مسؤولیت دولت و نهادهای مختلف، در رویکرد لزوم مسؤولیت مدنی، با رویکرد مسؤولیت اجتماعی، متفاوت است، چه این که مسؤولیت مدنی، دولت را بدهکار به بزه دیده و جامعه می داند و گویی دولت از باب یک تعهد ملزم به جبران زیان وارده است، البته با این تفکر که جرم نشان دهنده فقدان یک دولت تضمین کننده نظم عمومی است و دولت باید نتایج حاصل از ایجاد شدن موقعیتهای آسیب زا را تضمین کند یا نهادهایی که در این حوزه طبق قانون نقش حمایتی دارند، باید وارد عمل شده که بزه دیده به حال خویش رها نشود. در دیدگاه مسؤولیت اجتماعی، هر چند دولت، قبال انجام تکالیف خود، مسؤول است، اما در صورت عدم موفقیت در انجام آن ها، بدهی نسبت به بزه دیده ندارد و ملزم به جبران خسارت وارده نیست و اگر پرداختی هم انجام می گیرد، از روی حرمت گذاری به منافع عمومی و از جهت حمایت و همدلی با بزه دیده است (شایان، ۱۳۸۴: ۲۶).

دیدگاه مسؤولیت مدنی دولت و نهادها و سازمان های خاص، با کاستی هایی مواجه است که به نظر می رسد توانایی توجیه چرایی لزوم جبران زیان بزه دیده و پاسخگویی به سؤالات

۳-۱-۱- دلایل پذیرش رویکرد جبران خسارت توسط دولت در حقوق جزا

دو رویکرد جهت تنویر و توجیه جبران دولتی خسارت وجود دارد. این دو شامل، رویکرد لزوم دارا بودن مسؤولیت مدنی و رویکرد همدلی برگرفته از دیدگاه مسؤولیت اجتماعی است.

۳-۱-۱- رویکرد دارا بودن مسؤولیت مدنی برای دولت و سایر نهادها

وقتی دیدگاه مسؤولیت مدنی را بررسی می‌کنیم، دو محور اصلی در آن به چشم می‌خورد. محور تقصیر کار بودن حاکمیت یا همان دولت و محور منافع اجتماعی بزهکار به عنوان عضوی از جامعه.

۳-۱-۱-۱- بررسی مبنایی نظریه تقصیر

گاهی دولت با سهل‌انگاری در بررسی همه ابعاد جامعه و شرایط اقتصادی و اجتماعی قوانین جامع و مانع تصویب نمی‌کند یا در صورت تصویب با خلأ قانونی مواجه است که این ناکارآمدی می‌تواند به مرور سبب بروز بزهکاری گردد. حال اگر به جهت همان عوامل به طور مثال فاکتور اقتصاد، بزهکار توانایی جبران زیان وارده را نداشته باشد، چه شخصی پاسخگو خواهد بود؟ عملاً ممکن است به سبب این ناکارآمدی زیان وارده بر بزه‌دیده هرگز جبران نشود، البته این تقصیر قائم به شخص نیست، بلکه مجموعه‌ای از عدم انجام درست وظایف است (میرکمالی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۱۰-۱۸۹). در این گزاره از مسؤولیت مدنی که بر وجود عنصر تقصیر راجع به اعمال حاکمیت و قانون‌گذار استوار است، مراد از تقصیر دولت به شکل خاص، بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم مهارت وی، در تصویب قانونی کارآمد و برقراری و حفظ نظم عمومی و امنیت است، پس بر مبنای بدهی ضمنی او به بزه‌دیده جبران شدن خسارت وی، حق واجبی است که می‌توان برای بزه‌دیده برشمرد. اهمیت جرم‌انگاری نقض قوانین و قانون‌شکنی بزهکار، محور اصلی مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری در جامعه است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۶۵)، لذا در ماده ۴۸۷ از قانون مجازات ۱۳۹۲، مقرر می‌دارد: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل وی مشخص و معلوم نگردد یا به دلیل ازدحام افراد زیادی در جمعیت فوت کند، بیت‌المال

مسؤول جبران خسارت وی و پرداخت دیه است.» به طور واضح قابل مشاهده هست که پرداخت دیه، تنها در جرایمی قابل اعمال است که علیه تمامیت جسمانی اشخاص واقع می‌شوند و تنها در مورد قتل مسؤولیت دولت دین به بزه‌دیده است. عملاً ورای تقصیر کار بودن یا نبودن دولت، این ماده تنها نمونه‌ای است که صراحتاً بر جبران توسط بیت‌المال پرداخته است، در حالی که حقوق کیفری به طور کلی این روند را خلاف اصل می‌داند.

۳-۱-۱-۲- بررسی مبنایی نظریه همدلی و منافع اجتماعی

بزهکار با انجام جرم هم منبع مالی به دست می‌آورد و هم منبعی برای لذت روحی و روانی، قبال این جریان بعد از بروز جرم باید زیان به‌بار آورده برای بزه‌دیده و جامعه را جبران کند. اگر در شرایطی بنا به دلایلی، مانند فوت یا متواری شدن بزهکار، نداشتن توان مالی، شناسایی نشدن بزهکار و ... جبران آن توسط شخص بزهکار میسر نشود، زیان وارده دینی است که دولت از باب همدلی و همراهی با شهروند زیان‌دیده باید پرداخت کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۱: ۳۵)، در حالی که دولت، مرتکب جرم نشده و به صورت آگاهانه و با قصد، نقشی در بروز بزهکاری نداشته، باید گفت مسؤولیت مدنی برای دولت ویژگی‌های یک مجازات را ندارد و از جبران دولتی خسارت نمی‌توان به عنوان کیفری برای دولت یاد کرد، چراکه اگر دولت خسارت را جبران نکند، عملاً ضمانت اجرایی برای او وجود نخواهد داشت و صرف جبران خسارت، ویژگی‌های اصلی یک مجازات در حوزه حقوق جزا ندارد (میرکمالی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۱۰-۱۸۹).

۳-۱-۲- مسؤولیت اجتماعی

با بررسی مقررات مربوط به جبران خسارت بزه‌دیدگان این مهم به خوبی مشهود است که مسؤولیت اجتماعی نشأت گرفته از نظریه هم‌دردی عمومی می‌باشد که دولت و نهادها را مکلف به هم‌دردی با قربانیان جرم می‌کند و دولت و نهادها را گوناگون با مشارکت همگان از بودجه عمومی اقدام به جبران زیان بزه‌دیده می‌نمایند. در دیدگاه مسؤولیت اجتماعی به حق امنیت و آسایش مردم و کاهش جرم توسط دستگاه عدالت کیفری پرداخته می‌شود، چراکه تأمین امنیت از وظایف اصلی

۱۳۹۲ و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات، زمانی که شخصی از تقصیر یا اشتباه قاضی ضرر می‌بیند، باید زیان وی در شرایطی از سوی بیت‌المال جبران شود. در ماده ۴۷۱ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در بحث فرد ایرانی که از اقلیت‌های شناخته‌شده در قانون اساسی است، اگر این شخص ضمن مهلت مناسب نتوان مبلغ دیه را بپردازد، معادل دیه توسط دولت پرداخته می‌شود. به موجب تبصره ۱ از ماده ۴۱ قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲، اگر تیراندازی مطابق قوانین و مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از کیفر و دیه و خسارت معاف است و اگر بزه‌دیده مقصر نباشد، دیه وی از بیت‌المال پرداخته می‌شود. از این منظر قانون‌گذار به حمایت از شخصی که در حین انجام وظیفه و به این دلیل که وی عملی خلاف قانون مرتکب نشده و عمد در ارتکاب نداشته، به نوعی به حمایت از وی همراهی با بزه‌دیده، خسارت را پرداخت می‌کند.

وفق ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگر مرتکب عاقله نداشته باشد یا عاقله توان مالی نداشته باشد، دیه توسط خود مرتکب و در صورت عدم تمکن وی از محل بیت‌المال پرداخته می‌شود. ممکن است بزه‌کار شرایط اقتصادی ضعیفی داشته باشد که نتواند خسارت را جبران کند، در این وضعیت دولت برای کاهش چالش‌های وی، زیان وارده را جبران می‌کند، علی‌هذا الزامی به جبران بر مبنای نظریه مسؤولیت مدنی، برای دولت وجود ندارد، در کشور ما دولت و نهادهای مختلف در قبال بزه‌دیده در شرایطی که مرتکب شخصی غیر از دولت است، به هیچ‌وجه مسؤولیت مدنی و اجبار به جبران ندارد. نتیجتاً در خصوص قتل نیز، تأکید یا الزام به جبران دولتی یا جبران توسط نهادهای وابسته به دولت یا خاص در قوانین ایران دیده نمی‌شود. گویی تفکر قانون‌گذار ایران بر مبنای نظریه مسؤولیت اجتماعی است که باتوجه به بودجه دولت و شرایط اقتصادی نهادهای مختلف، موقعیت پرداخت از سوی در تمامی جرایم وجود ندارد، لذا راجع به جرم قتل به دلیل حساسیت و اهمیت آن، تأثیر افکار عمومی و بروز خشم و تنش اجتماعی، برخی از اندیشمندان معتقد هستند، مسؤولیت مدنی برای دولت و برخی نهادهای

حاکمیت و قوای او می‌باشد (میرکمالی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۱۰-۱۸۹). در حقوق کیفری ایران، مستفاد از ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «چنانچه مأموری در اجرای وظیفه قانونی، عملی را مرتکب گردد که موجب فوت یا صدمه است، دیه بزه‌دیده از بیت‌المال پرداخت می‌گردد. در این ماده، در بحث جبران خسارت، همان‌طور که از بیان قانون‌گذار مشخص است، در اینجا تنها از جهت هم‌دردی با بزه‌دیده و کاستن از آلام وی، جبران زیان وارده میسر می‌گردد.» وفق تبصره ۳ ماده واحده قانون اجازه حمل و استعمال اسلحه به نگهبانان بانک‌های دولتی و غیردولتی مصوب ۱۳۵۰، پرداخت خسارت بزه‌دیده از طریق بیمه اجباری برخی موسسات دولتی خواهد بود. همچنین به موجب تبصره ۲ ماده واحد تشکیل گارد صنعت نفت مصوب ۱۳۵۱، افراد گارد صنعت نفت، در برابر حوادث ناشی از انجام وظیفه، نزد شرکت سهامی بیمه ایران بیمه نموده و خسارت بزه‌دیده از این محل جبران خواهد شد. در این دو ماده، الزام به جبران دولتی خسارت دیده نمی‌شود و دولت به هیچ‌عنوان خود را در این وهله مدیون بزه‌دیده نمی‌داند، بلکه بر مبنای نظریه مسؤولیت اجتماعی که در آن نفع اجتماعی و آسایش و آرامش شهروندان محور اصلی است، دولت به جهت تقویت حس هم‌دردی و نوع‌دوستی و کاهش التهابات بعد از بروز بزه در جامعه، به جبران خسارت وارده می‌پردازد (امیران بخشایش و باریکلو، ۱۳۹۳: ۱۹۳-۱۶۹). همین‌طور در ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ که قانون‌گذار اشاره دارد، به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، چنانچه مرتکب بیمه نداشته باشد یا قرارداد بیمه وی باطل شده باشد یا مسبب حادثه تعیین و شناسایی نگردد، با وجود شرایط قانونی، خسارت بزه‌دیده از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جبران می‌گردد که گویی این پرداخت از صندوق تأمین می‌تواند شکل غیرمستقیم جبران خسارت باشد که در کنار دیه و ارش به‌عنوان اشکال مستقیم، قرار می‌گیرد. در این ماده هم بر اساس نظریه مسؤولیت اجتماعی، حمایت از شهروندان به‌عنوان پیکر اجتماع، مورد توجه است (میرکمالی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۱۰-۱۸۹). از سوی دیگر بر مبنای اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مواد ۱۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواد ۲۵۵ تا ۲۵۹ آیین دادرسی کیفری سال

وابسته به آن وجود دارد (عظیم‌زاده اردبیلی و اسلامی، ۱۴۰۰: ۷۴-۵۹).

با بررسی در قوانین کیفری ایران شاهد آن هستیم که ضابطه مسؤولیت اجتماعی همواره پررنگ‌تر است. بر فرض اگر نظریه مسؤولیت مدنی حاکم باشد، شاید بزه‌دیده با امیال مالی و حرص و طمع یا با خودزنی یا عدم دفاع از خود در برابر صدمه، بهای سنگینی را برای دولت ایجاد کند.

در ماده ۴۷۴ جنایت شبه‌عمد و مرگ یا فرار مرتکب و ماده ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جنایت خطای محض در حالت عدم دسترسی یا مرگ یا فرار بزه‌کار، تحت شرایطی مشخص، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مواد تحکمی نسبت به دولت و نهادها وجود ندارد و از کلام قانون‌گذار می‌توان دریافت که دولت را بدهکار بزه‌دیده نمی‌بیند و تنها بنابر منابع فقهی و توجه به مبانی مسؤولیت اجتماعی، در شرایطی جبران‌کننده قلمداد می‌شود.

در ماده ۴۷۷ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک یا چند نفر معین، صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند، چنانچه همگی سوگند یاد کنند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. درحقیقت با سوگند یاد کردن متهمان، ظن مرتفع شده و بنابر قانون و لزوم رعایت اصل برائت دیگر نمی‌توان این افراد را مجرم شمرد و از آنان مطالبه خسارت کرد. در موارد بی‌گناهی و برائت، قاعدتاً مبنا نفع عمومی بوده و نه الزام و بدهکاری دولت، چراکه در شرایطی که بزه‌کار مشخص نیست، بر مبنای منابع فقهی، نباید خون مسلمان هدر رود. همین‌طور اصل سوم قانون اساسی مقرر می‌کند تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم، از وظایف مهم دولت است که این خود بیانگر قبول مسؤولیت اجتماعی دولت در قانون اساسی ایران است.

بند ۱۵ از اصل سوم قانون اساسی، در راستای جبران خسارت بزه‌دیدگان از منابع غیردولتی، یکی از موارد تعاون عمومی را

وظیفه پشتیبانی دولت از تشکلهای غیردولتی در زمینه جبران خسارت بزه‌دیدگان می‌داند که مقوله تعاون عمومی، خود از اهم موضوعات نظریه مسؤولیت اجتماعی است. از طرفی یکی از نهادهای غیردولتی در زمینه جبران خسارت بزه‌دیده، بحث بیمه است که هرچند دولت در پرداخت‌های آن نقشی ندارد، اما وظیفه حمایتی دولت از باب تکلیف بر احقاق تعاون عمومی در جامعه اهمیت زیادی دارد (بخشایش و باریکلو، ۱۳۹۳: ۹).

۳-۲- مرتفع‌نمودن زیان وارده با تأکید بر نصوص مختلف

جبران زیان ناشی از جرم به فاکتورهای مختلفی بستگی دارد، از این جهت، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان راهکارهای جبران خسارات بیان نمود:

۳-۲-۱- دیه و ارش

دیه و ارش یکی از شیوه‌های جبران خسارت بزه‌دیده است که قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص جزایی، بدان پرداخته‌اند. جبران خسارت به‌شکل دیه یا ارش با توجه به چالش‌های اقتصادی عدیده، تا حد زیادی می‌تواند به ادامه زندگی بزه‌دیده کمک کند، حال چه بر مبنای مسؤولیت مدنی در بزه قتل و چه بر مبنای مسؤولیت اجتماعی در سایر جرایم باشد (حاتمی و اسدی، ۱۳۹۸: ۱۴۶-۱۲۳).

۳-۲-۲- جبران زیان‌های مالی گوناگون ناشی از جرم

بزه هزینه‌هایی را برای جامعه و قربانی به‌همراه دارد، درخصوص جبران به این شیوه، اختلاف دیدگاه فراوانی بین دکتربین حقوق جزا وجود دارد؛ برخی، آن را صرفاً یکی از راهکارهای حمایتی از قربانی می‌دانند و بعضی آن را ترمیم‌کننده آلام بزه‌دیده می‌دانند (اسبانلو و کلانتری، ۱۳۹۲: ۲۱۲-۱۸۵). نمونه مشهود و اجرایی این مورد در حقوق جزای ایران به‌صورت یک نص قانونی واضح وجود ندارد و خلأ این مهم، باتوجه به شرایط اقتصادی شهروندان، به‌شدت احساس می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها بعد از وقوع جرم، جبران ضرر وارده بر بزه‌دیده است. مطابق قوانین علی‌الاصول باید خود

موفق می‌شود زیان مالی بزه‌دیده را جبران کند. جبران از طریق نهادهای عمومی بر جبران خسارت از طریق دولت و به‌طور مستقیم از بودجه عمومی ترجیح دارد، خارج‌بودن نهادهای عمومی از سیستم قضایی، گوناگونی و تکثر در نوع خدمات و خسارات پرداختی و درآمدزایی، از جمله عوامل ترجیح‌دهنده این نهادها می‌باشد.

قانون اساسی ایران آمادگی و ظرفیت بالقوه فراوانی برای به فعلیت رساندن این مهم و به رسمیت شناختن خدمات‌رسانی و جبران خسارت از مجرای دولت به‌عنوان یک قاعده دارد. مع‌ذالك حقوق کیفری ایران این مقوله را اصل نمی‌داند، چراکه در ضرورت اصل دانستن این مقوله، مهم‌ترین توجیه این است که دولت مکلف است به‌عنوان یکی از خدمات عمومی، ضمن ایجاد تعاون و خدمت‌رسانی به شهروندان خود، مکانیزم لازم جهت جبران ضررهای بلاپرداخت را سازماندهی نموده و منبع مالی و بودجه آن را از طریق تشکیل صندوق‌های ویژه و بیمه‌ای مخصوص که ناشی از کمک جمعی است، تأمین نماید و خود نیز بودجه و منابعی را برای این شرایط اختصاص دهد. با بررسی و دقت نظر در قوانین جزایی به این مهم دست می‌یابیم که قانون‌گذار علی‌الاصول جبران خسارت و خدمات‌رسانی توسط دولت و نهادهای دولتی و غیردولتی و خاص را هیچ‌گاه به‌عنوان یک قاعده رسمیت نشناخته و به جز موارد مشخص و جزئی که بیان شد، در سایر موارد عملاً دولت خود را مکلف به پرداخت نمی‌داند که این عدم تکلیف می‌تواند خسارات دیگری بر پیکره جامعه وارد سازد. خدمات‌رسانی و جبران ضرر و زیان در ایران ضابطه مشخصی ندارد و غیر از بزه قتل، دقیقاً مشخص نیست موضع مقنن به جبران خسارت توسط دولت چگونه است، ضمن این‌که عدم جبران، زیان‌های فراوانی برای جامعه دارد و می‌تواند مولد بزهکاری و انگیزه‌های برای تکرار جرم شود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

شخص بزهکار از عهده زیان وارده بر بزه‌دیده برآید، مبنای وظیفه بزهکار در جبران خسارت، نظریه تقصیر و ماهیت وظیفه او، مسؤولیت مدنی است. حال اگر به هر علتی جبران خسارت از سوی وی میسر نشود، دولت یا نهادهای وابسته به آن یا برخی نهادهای خاص با همکاری دولت، بر مبنای ضوابط مارالذکر، باید به جبران آن اهتمام ورزند. اقدام به جبران، می‌تواند در قالب پرداخت‌های مالی یا خدمات‌رسانی به بزه‌دیده باشد. در حقوق جزای ایران، دولت هیچ‌گاه صراحتاً خود را موظف به جبران خسارت نمی‌داند، ولی در برخی مواد به آن اشاره‌های ضمنی نموده است. اصول و شرایطی که بر جبران خسارت بزه‌دیده به توسط غیربزهکار حاکم است، بنابر این‌که منشأ حقوقی جبران، مسؤولیت اجتماعی است یا مدنی، وجوه افتراقی گسترده‌ای دارد، ضمن این‌که با تحلیل مبانی هردو، می‌توان به اصول مشترکی دست یافت. نقش تکمیلی خدمات‌رسانی و جبران خسارت از سوی دولت و نهادها، جانشینی دولت به‌جای مرتکب در جبران ضرر، جایگزینی دولت در مراجعه به بزهکار به‌جای بزه‌دیده و جلوگیری از طی کردن این مسیر سخت توسط بزه‌دیده، از مشترکات ساختاری هر دو ضابطه است. با بررسی از قوانین موضوعه و رویه قضایی کشور، باید اذعان داشت که در حقوق جزای ایران، خدمات‌رسانی و جبران خسارت توسط دولت و نهادها یک اصل و قاعده مشخص و تأییدشده نیست و مسؤول دانستن دولت در جبران خسارت، خلاف اصل و در حاشیه است. جز در موارد مصرح قانونی که بیان شد، در این زمینه نمی‌توان مسؤولیتی برای دولت قائل شد. موارد یادشده بیشتر بر مبنای نظریه مسؤولیت اجتماعی است که دولت را به‌دلیل ناتوانی در انجام تکالیف خود، در بحث برقراری نظم و امنیت، بر مبنای مبانی هم‌دردی اجتماعی و عمومی، مسؤول پرداخت خسارت می‌داند. برخی از دکترین حقوق جزا اعتقاد دارند که بر مبنای منابع فقهی، در بزه قتل، به‌دلیل اهمیت این جرم و اثر منفی آن بر افکار عمومی، باید به مؤلفه‌های ضمان‌آور استناد کرد و دولت را به نوعی بدهکار جامعه و بزه‌دیده دانست که در این حالت، دولت الزام به خدمت‌رسانی و جبران خسارت بزه‌دیده دارد. حقوق جزای ایران در خصوص خدمت‌رسانی و جبران خسارت فقط به موارد جزئی اشاره کرده که در مقام اجرا، تنها

- سهم نویسندگان: سهم هریک از نویسندگان در این پژوهش، به یک اندازه بوده است.
- تشکر و قدردانی:** لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.
- منابع و مأخذ**
- اسبانلو، محمود؛ کلانتری، کیومرث (۱۳۹۲). «جبران خسارت بزهدیده مدعی تجاوز جنسی پس از تبرئه متهم در حقوق ایران». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۴(۱۱۰): ۱۸۵-۲۱۲.
- اسکندری، عبدالکریم (۱۳۸۷). «راهکارهای حمایت از بزهدیدگان در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌الملل». *مجله معرفت*، ۱۷(۱۳۴): ۴۳-۶۴.
- امیران بخشایش، عیسی و باریکلو، علیرضا (۱۳۹۳). «مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه». *مجله مجلس و راهبرد*، ۲۱(۸۰): ۱۶۹-۱۹۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۴۰۰). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حاتمی، مهدی و اسدی، امیر (۱۳۹۸). «خاستگاه حقوق بزهدیده در اسلام و ایران در مقایسه با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». *مجله مطالعات تطبیقی فقه و حقوق*، ۱۲(۱): ۱۲۳-۱۴۶.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰). «جبران دولتی خسارت بزهدیده و سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران از هست و نیستها تا بایدها و نبایدها». *مجله حقوق خصوصی*، ۴۱(۱): ۱۶۵-۱۸۳.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۴). «مسئولیت تبعی دولت در جبران ضررهای بلاجبران وارده به شهروندان». *فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۸(۲۸): ۱۲۳-۱۶۶.
- خدادی، ابولقاسم و افتخار، مریم (۱۳۹۵). «بازتوانی بزهدیده در پرتو بزهدیده‌شناسی بالینی». *نشریه پژوهش حقوق کیفری*، ۱۷(۱۷): ۱۲۷-۱۵۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چاپ سوم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). *بزهدیده‌شناسی حمایتی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۱). *بزهدیده در فرایند کیفری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات خط سوم.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۷). «جبران خسارت متهم توسط دولت در فرایند عدالت کیفری ایران». *مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۳(۸۲): ۱۱۳-۱۳۳.
- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۴). «ناتوانان بزهدیده از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری». *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۹(۵۳-۵۲): ۱۱۹-۱۶۸.
- شایان، علی (۱۳۸۴). *عدالت برای بزهدیدگان*. چاپ سوم، تهران: انتشارات سلسبیل.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و اسلامی، زهرا (۱۴۰۰). «حمایت از کودک بزهدیده در نصوص دینی». *مجله مطالعات حقوقی*، ۱(۱۸): ۵۹-۷۴.
- کلانتری، کیومرث و ذبیح‌الله زاده، فاطمه (۱۳۸۹). «جایگاه بزهدیده در تعیین کیفر و اعمال آن». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۴(۶۹): ۸۱-۹۴.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۷). «بزهدیده‌شناسی یا مجنی‌علیه شناسی». *مجله دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری*، ۱(۱): ۳-۵.
- لعل‌علیزاده، محسن و سهرابی، محمد (۱۳۹۷). «نهادهای حامی بزهدیده در دیوان بین‌المللی با تأکید بر جبران خسارت». *فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی*، ۴(۱۴): ۱۶۱-۱۷۶.
- میرکمالی، علیرضا و حاجی‌زاده، نازنین (۱۳۹۸). «حمایت دولت از بزهدیدگان در زمینه تأمین هزینه دادرسی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۳(۱۰۵): ۱۸۹-۲۱۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۲). *تقریرات درس جرم‌شناسی*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۲). «نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۵(۱۴-۱۳): ۵۳۳-۵۷۶.